علی قربانی: خوب شد لیگ تعطیل شد

مس کرمان در حالی اولین سال حضورش در لیگ را پشت سر می گذارد که در نیم فصل اول نتایج خیره کننده‌ای کسب کرده و حتی باعث شده فوتبالدوستان کرمانی از تیمشان توقع قهرمانی داشته باشند. البته همین زیاده‌خواهی تماشاگران کرمانی و همچنین مدیران باشگاه باعث شد غرور کاذب به سراغ بازیکنان این تیم آمده و در اواخر نیم فصل اول مسی ها پشت سر هم امتیاز از دست دهند. در هر صورت شاید تعطیلات میان فصل بتواند این مشکل کرمانی ها را تا حدودی حل کند. علی قربانی بازیکن جوان اما در عین حال باتجربه مسی ها در این رابطه کاملاً با ما موافق است و در این باره به سؤالاتمان به شرح ذیل پاسخ می دهد؛

***مس در نیم فصل اول برخلاف انتظار ظاهر شد؛ آیا خودتان هم فکر می کردید این گونه نتیجه بگیرید؟**

– ما اول فصل دوره آماده‌سازی خیلی خوبی را پشت سر گذاشتیم و با این هدف پا به مسابقات لیگ گذاشتیم که شگفتی ساز شویم. درواقع هدفمان آن بود که یکی از بهترین تیم‌های شهرستانی باشیم. فکر می کنم نتایج به دست آمده تا به امروز راضی کننده باشد و مکان ششم یا هفتم برای مس مکان رتبه مناسبی باشد.

***دلیل اینکه فراز و نشیب زیادی در کسب نتیجه داشتید، چه بود؟**

– بالاخره ما تازه از لیگ دسته اول به لیگ برتر آمده‌ایم و طبیعی بود که نتوانیم یک روند ثابت را در پیش بگیریم. من عقیده دارم امسال اکثر تیم‌ها که مس نیز یکی از آنها است، با فراز و نشیب های زیادی همراه بودند.

***به نظرت چرا اکثر تیم‌های لیگ این قدر پرنوسان ظاهر می شوند؟**

– دلیل عمده‌اش وقفه هایی بود که در کوران مسابقات به وجود آمد. در نیم فصل اول بیش از ۳ الی ۴ بار در بین بازی ها وقفه ایجاد شد و این مسأله باعث افت خیلی از تیم‌ها شد. در اصل من فکر می کنم تیمی از بقیه موفقتر عمل کرد که توانست خودش را با این برنامه ریزی وفق دهد.

***یعنی دلیل موفقیت سایپا همین مسأله ای بود که عنوان کردی؟**

– تا حدودی بله؛ البته غیر از این مسأله سایپا با علی دایی، شخصیت خوبی پیدا کرده و به سختی می شود آن را متوقف کرد.

***چند برد پیاپی و قاطعانه از سوی مس باعث شد مدیران این تیم حرف از قهرمانی در لیگ و همچنین پاداش های قابل توجه به میان آورند. این مسأله چه تأثیری در روحیه بازیکنان داشت؟**

– طبیعی بود که این مسأله تأثیر چندان خوبی نداشته باشد چون بازیکنان ما بسیار کم‌تجربه هستند. اول فصل هدفمان این بود که جزو ۸ تیم بالای جدول باشیم اما وقتی چند بازی را بردیم و تا رده‌های سوم و چهارم صعود کردیم، کل مجموعه تحت

تأثیر قرار گرفتند و غرور کاذب سراغ تیم آمد. البته خدا را شکر به موقع باختیم و فرصت داریم دوباره خود را جمع و جور کنیم.

***مس نمی بازد اما وقتی می بازد، با اختلاف گل زیاد نتیجه را واگذار می کند. دلیلش چیست؟**

– فکر کنم به این خاطر است که ما در تمام مسابقات به امید پیروزی به میدان می رویم. برای همین منظور حتی گل هم که می خوریم، دوباره حمله می کنیم تا بازی را ببریم. بعضی وقت‌ها این مسأله به ضررمان تمام می شود و باعث می شود در اوج حملات، دروازه تیممان دوباره باز شود.

***حالا دیگر به سقوط فکر نمی کنید؛ درست است؟**

– نمی خواهم بگویم اصلاً خطر سقوط را احساس نمی کنیم بلکه معتقدم نیم فصل دوم را باید جدی تر بگیریم. اکثر تیم‌ها مخصوصاً تیم های پایین جدول، در نیم فصل دوم به سختی امتیاز می دهند و ما باید تلاش کنیم امتیاز از دست ندهیم.

***به نظرت احتمال سقوط کدام تیم‌ها بیشتر از سایرین است؟**

– از هم اکنون نمی شود گفت کدام تیم‌ها سقوط می کنند. پارسال نیم فصل اول ابومسلم آخر جدول بود اما پایان فصل بهترین تیم شهرستانی شد. البته امسال راه آهن و فولاد غیرقابل انتظار ظاهر شده‌اند و چنانچه همین روند را ادامه دهند، به طور قطع به لیگ دسته اول سقوط خواهند کرد.

***شانس کدام تیم‌ها برای قهرمانی زیاد است؟**

– روند سایپا مستمر بوده و چنانچه ادامه داشته باشد، بدون شک آنها قهرمان خواهند شد. از پرسپولیس هم نباید غافل شد، آنها هم شانس زیادی برای قهرمانی دارند.

***بهترین بازی مس در نیم فصل اول مقابل کدام تیم بود؟**

– روبه‌روی استقلال اهوازبود که با نتیجه ۳ بر یک بازی را بردیم. شیرینی این برد به آن خاطر بود که ابتدا یک بر صفر عقب افتادیم و سپس پیروز شدیم.

*** بدترین بازی را مقابل چه تیمی انجام دادید؟**

– بدترین بازی روبه‌روی صباباتری بود که ۴ بر یک باختیم.

***از وضعیت خودت بگو؛ امسال برخلاف سال قبل کمتر گل می زنی. چرا؟**

– امسال عملکردم متوسط بوده است. امسال چون زیاد تغییر پست دادم، نتوانستم همانی باشم که خودم انتظار دارم. همین امر باعث شد کمتر گل بزنم و یا پاس گل بدهم و امیدوارم نیم فصل دوم شرایط فرق کند و مربیان در پست اصلی از من بازی بگیرند.

*** در نیم فصل اول حتی در چند بازی به عنوان دفاع چپ هم به میان رفتی؛ درست است؟**

– بله، به خاطر کمبود بازیکن در این پست مجبور شدم چند بازی دفاع چپ باشم. امسال کلاً در پست‌های دفاع چپ، هافبک چپ و هافبک راست بازی کردم.

***انتظار دعوت شدن به تیم ملی را داشتی؟**

– لیگ را با این هدف شروع کردم اما همان طور که گفتم تغییر پست‌های پی در پی باعث شد نتوانم به خواسته خود برسم. البته خیلی امیدوارم تا با انجام بازی های بهتر در نیم‌فصل دوم، مورد توجه مربیان تیم ملی قرار بگیرم.

***برنامه آینده‌ات چیست؟**

– فعلاً که تا آخر فصل با مس قرارداد دارم و به هیچ چیز غیر از کسب موفقیت با این تیم فکر نمی کنم.

***یعنی از شرایط خود در این تیم راضی هستی و احتمال تمدید قرارداد هم وجود دارد؟**

– شرایط اینجا بد نیست اما من آخر فصل سعی می کنم جایی را انتخاب کنم که شرایط برای پیشرفت هموارتر باشد.

***حرف آخر؟**

– تشکر از شما و همچنین مربیان که تلاش زیادی برای موفقیت تیم انجام می دهند.

نصایح مدیریتی رفیق ما

هومن جعفری

از اولش مشخص بود که رفیق ما این کاره نیست. از همان اول که شروع کرد به نطق کردن حساب کار دست همه آمد که رفیق ما آدم حرف است نه آدم عمل. یعنی اصلاً به طرف میدان نمی رسد که بتواند ثابت کند اهل حرف زدن است یا عمل کردن!

این رفیق ما را برای یک کنفرانس آسیب شناسی مدیریت ورزشی دعوت کرده بودند. تمام مدیران ورزشی کشور هم حضور داشتند. بین خودمان بماند چند نفر از آن کله گنده‌های اصلی ورزشی هم حضور داشتند که می خواستند این رفیق ما را ببینند تا اگر پسندیدند، یک پست مهم ورزشی را به او بسپارند.

حقیقتش بانی و باعث این مراسم خود ما بودیم که از ارتباطات روزنامه نگاری خود استفاده کردیم و چند تا از مقاله‌های رفیق خودمان را در باب مدیریت ورزشی را در روزنامه ها چاپ نمودیم. کم کم این مقاله ها توجه همه را جلب کرد، بعد از چند مصاحبه تلویزیونی که آن هم به لطف ارتباطات ما صورت گرفت. رفیق ما چنان مطرح شده که اسمش به عنوان سخنران اصلی همایش آسیب شناسی مدیریت ورزشی سر زبان‌ها افتاد. مجری برنامه هم به وقت معرفی ایشان کلی سیر و پیاز قضیه را بالا برد و با معرفی استاد به عنوان «حلقه گمشده مدیریت ورزشی» توجه حضار را جلب کرد و توقع همه را بالا برد. همه چیز داشت خوب پیش می‌رفت تا اینکه استاد، سخنرانی خود را آغاز کرد وظرف مدت ۲۰ دقیقه همه را به شدت مأیوس نمود. کسی که قرار بود با سخنرانی علمی خود مدیریت ورزشی ایران را تکان دهد، دست آخر مغز همه را تکان داد! چکیده سخنرانی های ایشان را در اختیار شما قرار دادیم تا دریابید که چرا همه حضار از صحبت‌های ایشان دلزده شدند!

نکته اصلی: این رفیق ما فکر می کرد که خیلی شوخ‌طبع و بامزه است. به همین خاطر کلی خزعبلات به نام طنز لای سخنرانی خودش قاطی می کرد و اسمش را می گذاشت نمک سخنرانی! به او هشدار دادیم که این سمینار اصلاً برای هم کلاس نگذاریم.

این موضوع که بنده و شما مدیر هستیم، فقط در یک جا رسمیت دارد و آن هم موقع گرفتن حقوق است. پس در طول این کنفرانس به قول بردباران باغ مظفر، بنده و شما «غلط می کنیم» که پز مدیریتی بدهیم و برای هم کلاس بگذاریم! ببینید، بهمن فروتن قبلاً فوتبال ما را به آبگوشت تشبیه کرده بود. پس با این حساب سرمربی نقش آشپز را دارد و مدیر باشگاه هم در بهترین حالت حکم مدیر رستوران را. پس «رستورانچی» خوبی باشید و گوشت مخلوط دست مردم ندهید! گرفتید چه می گویم دیگر وقتی در منو می نویسید کباب با گوشت بره، کباب با گوشت الاغ سمعی و بصری و کلیه عزیزانی که ما را در ارایه این سخنرانی یاری کردند، سخنرانی خود را آغاز می کنیم! البته من کوچکتر از آن هستم که بخواهم برای شما سخنرانی کنم اما خُب هرچه فکرش را می کنم، بهتر از خودم گیر نیاوردم! به همین خاطر سخنرانی بنده یک نوع اش کشک خاله است. چه بخورید چه نخورید باید پولش را بدهید... هه هه هه... بله ببینید و اجازه بدهید که در این سمینار اصلاً برای هم کلاس نگذاریم.

این موضوع که بنده و شما مدیر هستیم، فقط در یک جا رسمیت دارد و آن هم موقع گرفتن حقوق است. پس در طول این کنفرانس به قول بردباران باغ مظفر، بنده و شما «غلط می کنیم» که پز مدیریتی بدهیم و برای هم کلاس بگذاریم! ببینید، بهمن فروتن قبلاً فوتبال ما را به آبگوشت تشبیه کرده بود. پس با این حساب سرمربی نقش آشپز را دارد و مدیر باشگاه هم در بهترین حالت حکم مدیر رستوران را. پس «رستورانچی» خوبی باشید و گوشت مخلوط دست مردم ندهید! گرفتید چه می گویم دیگر وقتی در منو می نویسید کباب با گوشت بره، کباب با گوشت الاغ دست مردم ندهید! ملتفتید که منظورم چیست؟

آدم‌ها کلاً بر ۲ نوعند. آنهایی که می توانند مدیر شوند و آنهایی که نمی توانند. آنهایی که نمی توانند که هیچ اما آنهایی که می توانند بر ۲ گروه هستند. آنهایی که می توانند مدیر عامل بمانند و آنهایی که نمی توانند. آنهایی که نمی توانند که هیچ اما آنهایی که می توانند بر ۲ نوع هستند. آنهایی که می توانند مدیر عامل بمانند و آنهایی که نمی توانند. آنهایی که نمی توانند که هیچ اما آنهایی که می توانند بر ۲ نوع هستند. آنهایی که به عضویت در هیأت مدیره منصوب می شوند و آنهایی که نمی شوند. آنهایی که نمی شوند که هیچ اما آنهایی که می شوند بر ۲ نوعند. آنهایی که رییس هیأت مدیره می شوند و آنهایی که رییس هیأت مدیره نمی شوند. آنها که نمی شوند که هیچ اما آنهایی که می شوند بر ۲ نوعند. آنهایی که با حفظ سمت مدیر عاملی راترک می کنند. آنها که با حفظ سمت مدیر عامل و رییس هیأت مدیره نمی شوند که هیچ اما آنهایی که با حفظ سمت مدیر عامل و رییس هیأت مدیره می شوند بر ۲ نوعند. یا آنقدر پیر شده‌اند که ۳ ماه بعد از حضور در هر ۲ پست دار فانی را وداع می گویند و یا اینکه سال‌های سال از حضور در این سمت‌ها لذت می برند. آنها که زنده می مانند و لذت می برند که هیچ اما گروه دوم بر ۲ نوع هستند! یا در آن دنیا به بهشت می روند و یا به جهنم!

پیام اخلاقی: همه این چرت و پرت‌ها را گفتم که به پیام اخلاقی برسیم. بکوشید که در این مورد آخر از دسته دوم نباشید!

آقاجان! بریزید دور این حرف‌ها را که می گویند مدیر خوب در کار زیردستش دخالت نمی کند! اصولاً عصر، عصر سرعت است و گفتن کلمه «چشم» و انجام دادن دستورات سریعترین راه مدیریت است. مدیری دوام می آورد که هرچه هیأت مدیره می گرید، بگویم چشم! در عوض هرچه شما گفتید زیردستان شما هم باید بگویند چشم! دق دلی حرف گوش کن بودشان مقابل هیأت مدیره را سر زیردستان خالی کنید! ترکیب تیم را خودتان بچینید، تعویض ها را هم خودتان اتخاذ کنید. دنیای دیجیتالی است و کلاس مدیریتی ایجاب می کند که تکنولوژیک مدار و تکنولوژیک محور باشید. مدیر خوب مدیری است که تمام فرامین مدیریتی اش را از طریق موبایل و نوت بوکش ارسال کند. از طریق ارسال sms به معاونینش، سرمربی تیم را معرفی کند، یا از طریق نوب بوکش مسابقات تیم را تماشا کند و پس از باخت‌های متعدد از طریق sms مربی تیمش را برکنار کند. دستور پاداش و جریمه های مالی نیز از طریق اینترنت به بانک ابلاغ می شود! Sms خیلی مهم است. مطمئن باشید که همه عوامل زیردست شماره شما را دارند. برای دریافت گزارشات سری و محرمانه خیلی ارزشمند است. باور بفرمایید یک گزارشگر برایتان می فرستند که آنورش ناپیدا! به این روش می گویند کنترل نامحسوس مخابراتی!

***

وقت سخنرانی رفیقمان تمام شد و ایشان پایین آمد. حقیقتاً خیلی شرمنده شدم اما چون با روحیاتش آشنا بودم خیلی از آنچه گفت متعجب نشدم! تنها دفعه‌ای که متعجب شدم وقتی بود که رفیق ما به عنوان معاون فنی سازمان و دبیر کمیته المپیک انتخاب شد! ظاهراً آقایان کله گنده از حس طنز و ملاحت درونی رفیق ما که با چاشنی آشنایی با آخرین شیوه و اصول مدیریتی همراه بود و در کنارش روح عمیق دیوان سالاری و احترام به سلسله مراتب سازمان نیز به چشم می خورد خوششان آمده بود و پستی را که گفتم به آن جناب تفویض کردند. البته رفیق ما آن قدر معرفت نداشت که دست ما را بگیرد و به عنوان مشاور مطبوعاتی با خود آن بالا بالاها ببرد! بی معرفت ما را فراموش کرد!

خبرسازان هفته

امیر قلعه نویی

حاج امیر قلعه‌نویی با سر تراشیده مقابل در ورودی تالار نگار ایستاد و به تمام میهمانانش تبریک گفت. سرمربی تیم ملی بلافاصله پس از بازگشت از سفر معنوی و گهربار حج، میزبان چندصد تن از اقوام، دوستان، اهالی فوتبال و مطبوعات بود و به همین خاطر مجدداً در کانون توجهات قرار گرفت. قلعه‌نویی در همان بدو ورودش به ایران در مصاحبه‌ای مفصل با یکی از خبرگزاری‌ها برای آنهایی که برای استقلال خود بهایی دیده بودند، خط و نشان کشید و مخالفانش را سر جایشان نشاند.

سیاوش اکبرپور

بعد از انتشار نامه دراماتیک آجورلو برای جلالی، این بار نوبت به سیاوش اکبرپور رسید تا متنی حزن‌انگیز را منتشر کند و مخاطبانش را تحت تأثیر قرار دهد. مهاجم پرحاشیه و جنجالی استقلال که تازه فهمیده چه بلایی بر سرش آمده، اظهار ندامت کرده و از هواداران آبی عذرخواهی نموده است. او از اعضای کمیته انضباطی نیز خواسته از محرومیتش بکاهند؛ در عوض وی قول می دهد که حاشیه و جنجال را فراموش کند.

آندرانیک تیموریان

مقابل دان کاستر در جام حذفی انگلستان موفق شد ۲ گل به ثمر رساند و نام خود را به عنوان اولین ایرانی گلزن در رقابت‌های رسمی باشگاه های این کشور ثبت کرد. آندو پس از مدت‌ها نیمکت نشینی در بولتون در جام حذفی در ترکیب ثابت تیمش به میدان رفت و ۲ گل وارد دروازه حریف کرد. این اتفاق به واقع غیرقابل انتظار بود و همه را به نوعی شوکه کرد؛ امیدواریم چنین اتفاقاتی در آینده نیز تکرار شود.

فیروز کریمی

سرمربی شوخ طبع و طنزپرداز استقلال اهواز، این بار هم در برنامه ۹۰ حرف های جالبی زد که واقعاً شنیدنی بود. فیروز کریمی اظهار داشت: در هر ۲ نیمه دیدار با فولاد، باد مخالف به ضرر استقلال اهواز می وزید! اما خواهش می کنم این قسمت از مصاحبه را پخش نکنید چون به کمیته انضباطی احضار می شوم و باید با خودم «باد» را به این محل ببرم! کریمی هر هفته و از این لحاظ خبرساز می‌شود؛ اگر هفته‌ای این اتفاق نیفتاد، تعجب کنید.

این استقلال «استقلال» ندارد

«ببینید، آقای شفیعی زاده! فیروز کریمی گزینه اول مد نظر ما است. اگر با این تقاضا موافقت کنید، راه برای حضور خودتان هم در استقلال هموار می شود.»

این را یکی از اعضای هیأت مدیره استقلال خطاب به شفیعی زاده می گوید. همزمان با این موضوع، یکی دیگر از اعضای هیأت مدیره، تلفن را برمی دارد و پیش شماره شیراز را می گیرد: صفر، ۷۰۰ و ۱۱ ... ارتباط برقرار می شود: «سلام آقای پیروانی، خودتان را برای حضور در استقلال آماده کنید. هیأت مدیره روی حضور شما اتفاق نظر دارد و قرار است کارتان را از هفته شانزدهم لیگ ۸۵ آغاز کنید.»

تمام این اتفاقات در حالی رخ می دهد که مدیرعامل و رییس سازمان فوتبال باشگاه استقلال فارغ از همه مشکلات، در مکه مکرمه بسر می برند. خبرها که به گوش قلعه‌نویی می رسد، چهره‌اش برآشفته می شود: «برسم تهران تکلیف همه را مشخص می کنم.» او البته حق داشت چنین حرفی بزند، چرا که براساس ساختار تعیین شده، همه کاره باشگاه استقلال محسوب می شود. این موضوعی است که حتی امیدوار رضایی نیز به آن اشاره کرده است. مقداد نجف‌نژاد که از روز اول مدیریتش در استقلال با واژه آرامش بیگانه بود، همچنان به دنبال راه حلی برای خروج از این مشکلات می اندیشید. نجف‌نژاد اما آن قدر قدرت نداشت که بتواند از عهده مشکلات برآید. با واگذاری استقلال به سازمان تربیت بدنی، پایه‌های مدیریت نجف‌نژاد هم متزلزل شد. شاید به همین دلیل بود که افراد

بسیاری خود را به عنوان نامزد مدیریت استقلال معرفی کردند. اوضاع استقلال آن قدر آشفته بود که حتی علی شفیعی زاده هم داعیه مدیریت این تیم را سر داد. مدیرعامل سابق استقلال اهواز و رییس فعلی هیأت مدیره این باشگاه با ادعای اصلاح وضعیت استقلال عنوان کرد که حاضر است مدیریت این تیم را بر عهده بگیرد و این باشگاه را به خودکفایی برساند.

شفیعی زاده در حالی چنین صحبت‌هایی را مطرح می کرد که مشکلات عدیده تیم تحت تملکش بر هیچ کس پوشیده نیست. شمار طلبکاران باشگاه استقلال اهواز به تعداد صفرهای حساب‌های بانکی شفیعی زاده است، البته اگر پولی در حساب وی باشد. با این حال اوضاع در استقلال آن قدر وخیم است که شفیعی زاده مشکلات استقلال اهواز را نادیده بگیرد و خود را مدعی اصلاح امور تیم تهرانی بداند.

در چنین شرایطی صحبت‌های یکی از اعضای هیأت مدیره استقلال او را به آرزوی دیرینه‌اش نزدیک‌تر کرد. این اما پایان ماجرا نبود. از آنجایی که استقلال از هیأت مدیره یکدستی برخوردار نیست، یکی دیگر از اعضا باب مذاکره با پیروانی را باز کرد. همه این اتفاقات در حالی رقم می خورد که نجف‌نژاد همچنان به حمایت از صمد مرفاوی می پرداخت.

قلعه‌نویی نیز همچون مدیرعامل استقلال، حمایت از مرفاوی را در دستور کار خود قرارداده بود. او البته هدف دیگری را هم جست‌وجو می کرد. قلعه‌نویی که قواعد بازی در چنین شرایطی را به خوبی بلد است، از یک سو از مرفاوی حمایت می کرد و از سوی دیگر خود را در طیف موافقان امیدوار رضایی قرار داد.

رییس سازمان فوتبال استقلال با پی بردن به این نکته که امیدوار رضایی میان مسؤولان سازمان تربیت بدنی از مقبولیت خاصی برخوردار است، در چرخشی عجیب و اظهار نظری جالب توجه، رضایی را بهترین گزینه برای مدیریت استقلال و حل مشکلات این تیم عنوان کرد. پس در این شرایط طبیعی بود که رییس هیأت مدیره استقلال هم به حمایت از قلعه نویی بپردازد. این رابطه دو طرفه‌ای است که هم به رضایی کمک می کند تا به صندلی مدیریت نزدیک‌تر شود و هم جایگاه قلعه‌نویی را به عنوان همه کاره باشگاه استقلال حفظ خواهد کرد. مشکلات عدیده آبی‌پوشان باعث شده هر روز اخبار جدیدی از این تیم به گوش برسد. هر کس گزینه مورد علاقه خود را به عنوان سرمربی آینده معرفی می کند. سازمان تربیت بدنی نیز همچون گذشته فقط نظاره‌گر مشکلات عدیده استقلال است، بی‌آنکه تلاشی در جهت رفع آنها انجام دهد. اوضاع آن قدر نابسامان است که هیچ کس در باشگاه نمی داند قرار است چه سرنوشتی برای این باشگاه رقم بخورد. یک روز از شفیعی زاده به عنوان مدیرعامل جدید یاد می شود و روز دیگر نام فیروزکریمی و غلامحسین پیروانی به عنوان مربیان جدید مطرح می شود. اگر در آینده نزدیک صحبت از حضور علی پروین در استقلال به میان آمد، نباید چندان تعجب کرد. در استقلال هر اتفاقی ممکن است رخ دهد.

گشتی در زندگی ورزشی هلیکوپتر ایرانی بوندس لیگا

«هاشمیان» راه موفقیت را چند پله یکی پیمود

«وحید هاشمیان» متولد ۳۰ تیر ۱۳۵۵ در تهران است. او ۲ خواهر و ۲ برادر داشته و به رشته‌های فوتبال، شنا و یوگا علاقه شدیدی دارد. مطالعه کتاب، پیاده‌روی، مسافرت و گشت و گذار در اینترنت از جمله تفریحات وی به حساب می آیند. آنچه در ذیل می آید، نگاهی است به زندگینامه ورزشی وی که از نظرتان می گذرد؛

زمانی که در دقایق ابتدایی دیدار تیم های ایران و قزاقستان در چهارچوب بازی‌های آسیایی بانکوک یک جوان جویای نام ایرانی با ضربه‌ای استادانه توپ را به قعر دروازه حریف فرستاد، تلویزیون تایلند نام وحید هاشمیان را روی تصویر به نمایش درآورد تا زننده نخستین گل ایران در این رقابت‌ها را نشان دهد.

همانجا بود که بسیاری از مردم با نام او به عنوان یک مهاجم آشنا شدند. وحید مثل بسیاری دیگر از فوتبالیست‌های تهرانی، بازی خود را از محله‌های جنوب شهر آغاز کرد. در سال ۱۳۷۳، به همراه تیم جوانان فتح تهران از لیگ دسته دوم به لیگ دسته اول صعود کرد و یک سال بعد به همراه این تیم عنوان سوم جوانان باشگاه‌های تهران را به دست آورد.

در سال ۱۹۷۵ به همراه تیم بزرگسالان فتح، نایب قهرمان باشگاه‌های تهران شد و پس از آن به تیم فوتبال پاس پیوست.

وی در سال ۱۳۷۷ با سبزپوشان پاس به عنوان نایب قهرمانی لیگ کشور دست یافت و از همین تیم نیز در جمع ملی پوشان کشورمان حاضر شد و توانست مدال طلای بازی‌های آسیایی بانکوک را بر گردن بیاویزد. بازی‌های خوب وحید باعث شد مدیران استعدادیابی هامبورگ با مسؤولان وقت پاس تماس حاصل کنند.

گفت وگوها بین مقامات هامبورگ و پاس نتیجه مثبت داد و هاشمیان به عنوان پنجمین بازیکن ایرانی به بوندس لیگا راه یافت.

هاشمیان در فصل نخست حضورش در هامبورگ فرصت چندانی برای عرض اندام نیافت اما در همان دقایقی که به میدان رفت، موفق شد یک گل مقابل ترابوزان اسپور ترکیه در رقابت‌های مقدماتی جام باشگاه‌های اروپا به ثمر برساند.

وحید در فصل ۲۰۰۰-۱۹۹۹ به همراه هامبورگ عنوان سوم بوندس لیگا را به دست آورد. او به همراه تیم ملی کشورمان در سال ۲۰۰۰ نیز موفق شد قهرمانی مسابقات غرب آسیا را در اردن به چنگ آورد.

اما جو حاکم بر اردوی تیم ملی و همچنین اختلاف با فدراسیون فوتبال وقت باعث شد وحید حدود ۴۰ ماه از تیم ملی فاصله بگیرد.

در ادامه، مصدومیت اجازه هنرنمایی را از وحید گرفت و پس از یک دوره بسیار سخت، ستاره فوتبال ایران سر از تیم فوتبال بوخوم در لیگ دسته دوم بوندس لیگا درآورد.

هاشمیان در دسته دوم بوندس لیگا نیز بسیار خوش درخشید و توانست با مربیگری «پیتر نویرورر» در فصل ۲۰۰۳-۲۰۰۲ به لیگ دسته اول بوندس لیگا بازگردد. در این فصل هاشمیان بیشتر به عنوان یار جانشین به میدان می آمد و موفق شد ۱۰ گل حساس نیز برای بوخوم به ثمر برساند.

اما اوج هنرنمایی هلیکوپتر به فصل ۲۰۰۴-۲۰۰۳ بازمی گردد که توانست با زدن ۱۶ گل رکورد خوبی از خود برجای بگذارد. بوخوم به لطف گل‌های او توانست به رقابت‌های جام یوفا راه یابد.

هاشمیان فصل ۲۰۰۵-۲۰۰۴ را در بایرن مونیخ سپری کرد اما اعتقادات فلیکس ماگات باعث شد قهرمان فوتبال آلمان از هنرنمایی‌های هاشمیان بی نصیب بماند اما در نهایت او به همراه سرخپوشان باواریایی به مقام قهرمانی بوندس لیگا و لیگاپوکال رسید.

هاشمیان در بازگشت به تیم ملی نیز بسیار خوش درخشید و با گل‌های حساسش مقابل قطر و ژاپن راه صعود ایران به رقابت‌های جام جهانی ۲۰۰۶ را هموار کرد.

او حتی در رقابت‌های مقدماتی جام ملت‌های آسیا نیز با زدن یک گل حساس به کره‌جنوبی، روحیه‌ای فوق‌العاده پس از نتیجه ناامیدکننده مساوی مقابل سوریه به تیم ملی بخشید.

افتخارات وی به شرح ذیل است

* نایب قهرمانی آموزشگاه‌های تهران در مقطع دبیرستان سال ۱۳۷۳
* صعود از لیگ دسته دوم جوانان تهران به لیگ دسته اول با تیم فتح سال ۱۳۷۳
* مقام سوم جوانان تهران با تیم فتح سال ۱۳۷۴
* نایب قهرمان باشگاهی تهران با بزرگسالان فتح سال ۱۳۷۵
* نایب قهرمان لیگ آزادگان با تیم پاس تهران سال ۱۳۷۷
* قهرمانی بازی های آسیایی بانکوک سال ۱۹۹۸
* مقام سوم بوندس لیگا با تیم هامبورگ سال ۲۰۰۰-۱۹۹۹
* قهرمانی بازی های غرب آسیا سال ۲۰۰۰
* صعود از لیگ دسته دوم آلمان به لیگ دسته اول با بوخوم سال ۲۰۰۲-۲۰۰۱
* صعود به جام یوفا با بوخوم سال ۲۰۰۴-۲۰۰۳
* قهرمانی باشگاهی آلمان با بایرن مونیخ سال ۲۰۰۵-۲۰۰۴
* قهرمانی لیگا پوکال با بایرن مونیخ سال ۲۰۰۵-۲۰۰۴
* صعود به جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان.

علی اصغر قربانعلی پور: شاید به تیم توسعه روی زنجان برگردم

«علی اصغر قربانعلی پور» از آن دست فوتبالیست‌هایی است که در زمینه تحصیل علم و دانش هم موفق و پویا بوده است. او لیسانس تربیت بدنی دارد و فوتبالش را از تیم نوجوانان ایزد مهرآباد شروع کرد. سپس به تیم امید استقلال پیوست و در همان موقع به صورت قرضی به تیم استقلال نوین و پگاه تهران رفت. در ادامه ۳ سال هم به عضویت تیم عقاب درآمد و بازی‌های به یادماندنی زیادی در این تیم انجام داد. بعد از عقاب نیز به تیم دسته اولی توسعه روی زنجان ملحق شد. پست تخصصی او دفاع راست است اما توانایی بازی در دفاع چپ و هافبک راست را هم دارد. در ذیل گفت‌وگو با جوان خوش‌آتیه فوتبال کشور را بخوانید:

*** چرا در حال حاضر با هیچ تیمی قرارداد ندارید؟**

– پیش از شروع فصل تفکرم این بود که به یک تیم لیگ برتری بروم اما مشکلاتی پیش آمد که این مسأله به وقوع نپیوست. من سال گذشته در توسعه روی زنجان خوش درخشیدم و مناجاتی مربی وقت تیم می گفت در حد تیم ملی و لژیونر شدن هستم.

*** فعلا چه می کنید؟**

– تمریناتم را به صورت اختصاصی زیر نظر کماسی در ورزشگاه انقلاب انجام می دهم. روزی ۶ ساعت تمرین می کنم که حتی بازیکنان لیگ برتر هم در این سطح تمرین نمی کنند.

*** آیا به خاطر مسایل مالی با هیچ تیمی به توافق نرسیدید؟**

– نه، من فوتبال را بیشتر از پول دوست دارم. تمرکزم روی پیشرفت در فوتبال است. اگر خوب بازی کنی، پول هم به دنبالش می آید.

*** امسال لیگ دسته اول با فصل گذشته چه تفاوتی دارد؟**

– امسال تیم های مدعی بیشتر در گروه اول حضور دارند. پگاه واقعاً قدرتمند ظاهر شده و سوای این تیم، بقیه تلاشی پاپاپای دارند.

*** شانس های صعود به مرحله پلی آف از نگاه شما کدام تیم‌ها هستند؟**

– به نظر من پگاه گیلان، تراکتورسازی تبریز، توسعه روی زنجان و تربیت یزد شانس‌های حضور در مرحله پلی آف هستند. البته این را هم بگویم که در نیم فصل دوم تیم‌هایی موفق‌تر هستند که از تجربه بیشتری برخوردار باشند و رفاقت در تیمشان زیاد باشد.

*** چه هدفی را در فوتبال دنبال می کنید؟**

– فعلاً در پی این هستم به حقم برسم. من زحمات زیادی کشیده‌ام و دوست دارم به جایگاهی که لیاقتش را دارم، برسم. البته صحبت‌هایی شده که در نیم فصل به تیم توسعه روی زنجان بازگردم.